



ماجرای نرمش قهرمانه ای که امام حسن(ع) نشان داد/ مفاد صلح نامه حسن بن علی(ع)

امام حسن(ع) را وادار به پذیرش صلح ناخواسته کردند و آن حضرت، به ناچار در ۲۵ ربیع الاول سال ۴۱ قمری براساس شرایطی، خلافت را به معاویه بن ابی سفیان واگذاشت و خود از آن کناره گرفت.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: امام حسن(ع) را وادار به پذیرش صلح ناخواسته کردند و آن حضرت، به ناچار در ۲۵ ربیع الاول سال ۴۱ قمری براساس شرایطی، خلافت را به معاویه بن ابی سفیان واگذاشت و خود از آن کناره گرفت.

امروز، ۲۵ ربیع الاول مصادف با سالروز صلح امام حسن مجتبی(ع) در سال ۴۱ هجری قمری است. امام حسن مجتبی(ع) در ۲۱ رمضان سال ۴۰ قمری، پس از شهادت پدر ارجمندش حضرت علی(ع) بنا به درخواست یاران امیرمؤمنان(ع) و سایر مردم، خلافت اسلامی را پذیرفت و ادامه سیره و روش حکومتی امیرمؤمنان(ع) و سیاست عدالت گستری وی را سر لوحه کار خویش قرار داد.

«معاویه بن ابی سفیان» که در ایام خلافت امیرمؤمنان(ع)، از حکومت مرکزی سرپیچی و اقدام به ایجاد حکومت مستقل و خودخوانده در شام نمود و به برخی از مناطق اطراف، از جمله مصر، چنگ انداخته بود، از آغاز حکومت امام حسن(ع) اقدام به دشمنی و فتنه انگیزی نمود و با ارسال جاسوسان و نفوذ در میان بزرگان قبیله‌ها و طایفه‌ها و تطمیع آنان، زمینه نبرد دیگری را فراهم ساخت.

از سوی دیگر، نفاق و خیانت برخی از سران سپاه امام حسن(ع) و پیوستن آنان به سپاه معاویه و ناخرسندی مردم به ادامه جنگ و خون ریزی، دشمن را جسورتر کرده و وی را به تهاجم همه جانبه نظامی وادار نمود. امام حسن مجتبی(ع) که به سامان دهی حکومت و امور معیشتی مردم و برقراری قسط و عدل در جامعه اسلامی پرداخته بود، با دشمنی‌ها و تهاجم سراسری سپاه شام روبرو شد. آن حضرت نیز در مقام دفاع برخاست و در میان مردم اعلان بسیج عمومی نمود و رزمندگان کوفه و سایر شهرها را برای دفع تهاجم دشمن فراخواند.

هنگامی که دو سپاه در برابر یکدیگر قرار گرفتند و درگیری‌های پراکنده ای میان آنان به وقوع پیوست، برخی از سران سپاه امام حسن مجتبی(ع)، از جمله «عبیدالله بن عباس» که فرماندهی کل را برعهده داشت، به سپاه معاویه پیوست و از این راه، توان روحی و فیزیکی سپاه امام حسن(ع) را کاهش داد. نفوذی‌های معاویه، در میان سپاهیان امام حسن(ع) و در میان عامه مردم شهرها، اقدام به شایعه پراکنی و گمانه زنی‌های خلاف واقع کردند و به تدریج جامعه اسلامی و رزمندگان را از داخل، دچار تردید و تزلزل نمودند.

به طوری که برخی از سپاهیان، شبانه از اردوگاه‌ها و پادگان‌ها گریخته و صحنه نبرد را ترک می کردند و برخی از فریب خوردگان «خوارج» در شهرهای پشت جبهه اقدام به آشوب می کردند و حتی در «ساباط مداین» به خیمه‌گاه امام حسن(ع) هجوم آورده و اقدام به غارت و بی نظمی نمودند و در یک رویدادی، امام حسن مجتبی(ع) را ترور کرده و وی را به شدت زخمی نمودند.

ریش سفیدان و صاحب نفوذان عراق و حجاز و برخی از فرماندهان سپاه امام حسن(ع)، مخفیانه نامه هایی به معاویه داده و اظهار اطاعت و پیروی می نمودند و حتی نوشتند که حاضرند امام حسن(ع) را تسلیم وی کرده و یا او را به قتل رسانند.

امام حسن مجتبی(ع) که از تمامی نفاق‌ها و خیانت‌های سپاه خویش خبردار بود، با گردآوری آنان و ایراد خطبه و روشن نمودن اذهان آنان از دسیسه های دشمن، تلاش وافر نمود که روحیه مردانگی و رزم آوری را در آنان، بار دیگر زنده کرده و توطئه های دشمن را نقش بر آب کند. ولی رسوخ شرم آور نفاق و خیانت، سپاه آن حضرت را از کارایی لازم انداخته و توازن نظامی را به کلی دگرگون کرده بود و سرانجام، امام حسن(ع) را وادار به پذیرش صلح ناخواسته کرد و آن حضرت، به ناچار در ۲۵ ربیع الاول و به قولی در نیمه جمادی الاولى سال ۴۱ قمری براساس شرایطی، خلافت را به معاویه بن ابی سفیان واگذاشت و خود از آن کناره گرفت. بدین سان، درگیری و جنگ میان سپاهیان شام و سپاهیان عراق پایان یافت و آن سال را «عام الجماعة» نامیدند.

متن صلح نامه ای که به امضای طرفین و گواهان از دو سپاه رسید، از این قرار است: بسم الله الرحمن الرحيم. هذا ما صالح عليه الحسن بن علی بن ابی طالب، معاویه بن ابی سفیان، صالحه علی أن یسلم الیه ولایة المسلمین علی أن یعمل فیهم بکتاب الله و سة رسول الله و سيرة الخلفاء الراشدين المهتدين و لیس لمعاویه بن ابی سفیان ان یعهد الی أحد من بعده عهداً، بل یكون الأمر من بعده شوری بین المسلمین، علی أن التأس آمنون حیث کانوا من أرض الله تعالی فی شامهم و یمنهم و عراقهم و حجازهم، و علی أن اصحاب علی و شیعه آمنون علی أنفسهم و أموالهم و نسائهم و اولادهم حیث کانوا، و علی معاویه بن ابی سفیان بذلك عهد الله و میثاقه، و علی أن لا یبغی للحسن بن علی و لأخیه الحسین غائلة و لا لأحد من اهل بیت رسول الله

صلى الله عليه و آله غائلة سوء سرّاً أو جهراً، و لا يخيف احداً منهم فى افق من الآفاق.

گفتنی است که درباره بندهای صلح نامه، اتفاق چندانی میان مورخان و سیره نویسان نیست و برخی از آنان، موارد ذیل را نیز اضافه نمودند:

۱. حسن بن علی(ع) و برادرش حسین(ع)، هیچ‌گاه معاویه را امیرمؤمنان خطاب نکنند. این شرط به وضوح بیان می کند که صلح امام حسن(ع)، نوعی سکوت در حال ناچاری و کناره گیری مصلحت آمیز از حکومت بود، نه اینکه معاویه بن ابی سفیان، سزاوار خلافت و حکومت بوده است.

۲. معاویه و اصحابش، هیچ‌گاه علی(ع) را در نماز و غیر نماز سب و لعن نکرده و از او، جز به نیکی یاد نکنند.

۳. پس از معاویه، ولایت مسلمانان با حسن بن علی(ع) باشد و اگر او زنده نباشد، با برادرش حسین بن علی(ع) خواهد بود.

۴. بیت المال کوفه در اختیار امام حسن(ع) باشد.

۵. خراج دو منطقه فارس، یعنی بسا (فسا) و دارابجرد در اختیار امام حسن(ع) باشد.

۶. معاویه در هر سال مبلغ يك میلیون (و یا صد هزار) درهم به صورت مقرری در اختیار امام حسن(ع) قرار دهد.

یادآوری این نکته ضروری است که مسائل مادی‌ای که از سوی امام حسن (ع) در صلح نامه مطرح شده است، به منظور تأمین معاش خانواده های بی سرپرستی بود که در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، کسان خود را از دست داده بودند. امام حسن مجتبی(ع)، انسانی کامل و پیشوایی مهربان و عدالت گستر بود که برای از میان بردن اختلاف و تفرقه مسلمانان و جلوگیری از خونریزی آنان و نجات شیعیان و یاران پدرش امیر مؤمنان(ع) از شرارت‌ها و کینه توزی های معاویه و عوامل مزدور وی، صلح با معاویه را پذیرفت و آن را با شرایطی سنگین بر معاویه تحکیم نمود.

«ابن حجر عسقلانی» که از دانشمندان شافعی مذهب اهل سنت است، درباره شخصیت و حکومت امام حسن(ع) گفت: "هو آخر خلفاء الراشدين بنص جده(ص)، ولی الخلافة بعد قتل ابیه بمبايعة اهل الكوفة، فاقام بها ستة أشهر و أياًماً، خليفة حقّ و امام عدل و صدق تحقيقاً؛ " او، به نص و تصریح سخن جدش (حضرت محمد(ص))، آخرین خلیفه از خلفای راشدین است که پس از کشته شدن پدرش (امیرمؤمنان(ع)) عهده دار خلافت گردید و مردم کوفه با او بیعت نمودند. وی به مدت شش ماه و چند روز زمام خلافت را به دست گرفت. او به حقیقت، خلیفه ای حق و امامی عادل و راست گو بود.

به هر روی، پس از استیلای معاویه بر کوفه و سایر سرزمین‌های اسلامی، امام حسن(ع) علی رغم اصرار برخی از شیعیان و بزرگان کوفه مبنی بر باقی ماندن در این شهر، تصمیم به بازگشت به مدینه الرسول(ص) گرفت و به همراه خانواده خود و خاندان پدر ارجمندش (که پس از جنگ جمل به کوفه مهاجرت کرده بودند) رهسپار مدینه شد و به وطن اصلی خویش روی آورد.

در این سفر، مردم کوفه بدرقه ای نیکو و اهالی مدینه، استقبال شایانی از آن حضرت و خاندان امیرمؤمنان(ع) به عمل آوردند. امام حسن(ع) بنا به وظیفه انسانی و ایمانی خویش، تا آخر عمر شریفش به پیمان صلح پایبند ماند و از آن تخطی نکرد، ولی معاویه با ترفندهای گوناگون، بارها آن را نقض و خباثت باطنی خویش را بر همگان آشکار کرد.

*پایگاه اطلاع رسانی حج